



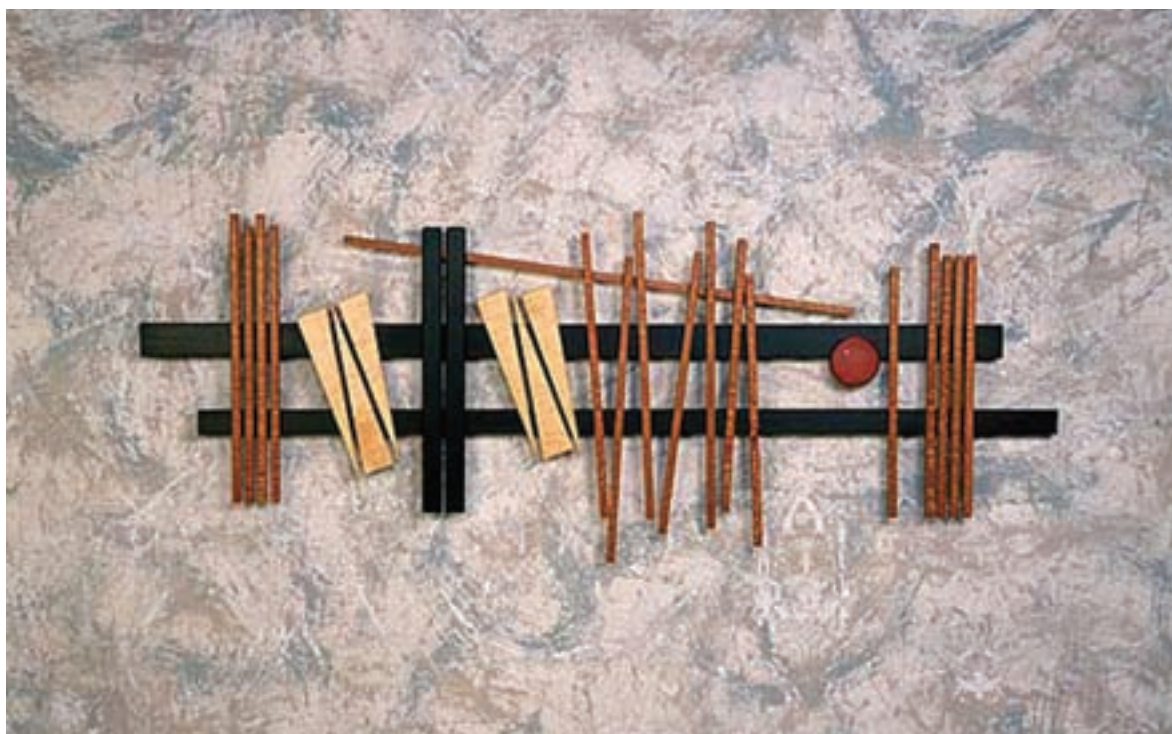
خط به عنوان بافت: روش‌های استفاده از خط محدود به چاپ و طراحی نیستند بلکه خطوط می‌توانند از جنس نخ و یا چوب و ... باشند. مثلاً در بافت یک پارچه می‌توان با ایجاد اختلاف تراکم و تیرگی و روشنی خط، ارزش‌های مختلف بصری به‌وجود آورد (تصاویر ۶۵ الی ۶۲-۱).



تصویر ۶۲ - ۱ پارچه یزدی



تصویر ۶۳ - ۱ کاربرد خط در هنر فرش بافی



تصویر ۶۴ - ۱ استفاده از عناصر چوبی به حالت خط در خلق اثر هنری



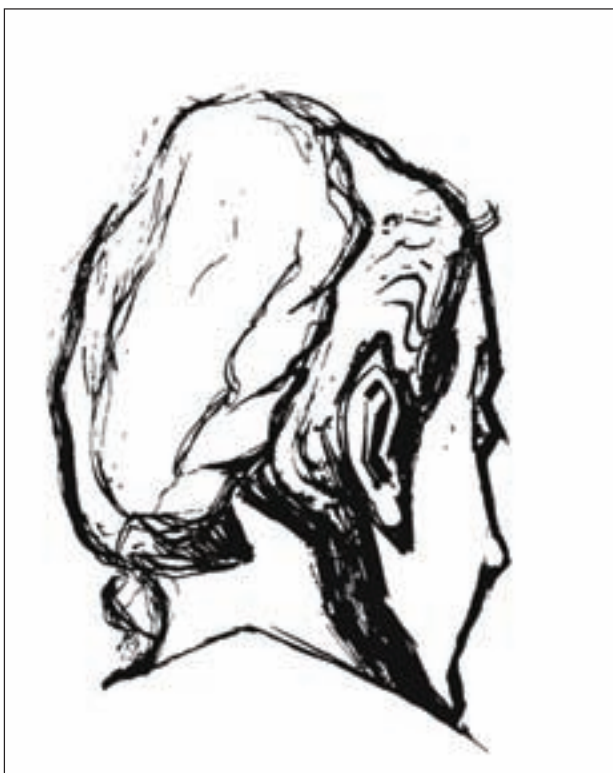
تصویر ۶۵-۱ کاربرد خط در طراحی اشیاء کاربردی

خط در نقاشی می‌تواند عنصر مهمی باشد، زیرا یک نقاشی با فضای رنگی نسبت به طراحی از محدودیت کم‌تری برخوردار است، رنگ و خط می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. وقتی هنرمند عمداً خط را به عنوان خطوط محیطی در نقاشی در نظر می‌گیرد، خط از ارزش زیادی برخوردار می‌شود زیرا به وسیله تیره و ضخیم شدن آن شکل مورد نظر مشخص می‌گردد (تصویر ۶۶-۱).

به کمک تکرار و تغییر در کیفیت خط در نقاشی می‌توان بافت‌های متنوع و بدیعی به وجود آورد. (تصویر ۶۷-۱).



تصویر ۶۷- ۱ بخشی از اثر ونوس - بوتیچلی



تصویر ۶۶- ۱ در طراحی فوق اثر ال گر کو خطوط بالارزش های متفاوت دیده می شود.



تصویر ۶۸- ۱ گاهی خط در نقاشی به صورت صریح به نمایش درآمده است.

خط صریح و روشن: گاهی خط در آثار نقاشی به طور واضح و صریح به کار می رود مانند تصویر ۶۸- ۱، در این تصویر از تنه درخت گرفته تا شاخه های نازک به عنوان خط شناخته می شوند.

خط های واضح و روشن در طراحی های انیمیشن نیز دیده می شوند (تصویر ۶۹- ۱).

در بعضی از نقاشی های طبیعت بی جان نیز خطوط لبه های گوناگون اشیاء را معین می کنند و با وجود نبودن خطوط واقعی این نقاشی ها نیز در رده بندی نقاشی های خطی جا می گیرد (تصاویر ۷۱ و ۷۰- ۱).



تصویر ۷۰- ۱ نقاشی رنگ و روغن با تاکید بر روی خط



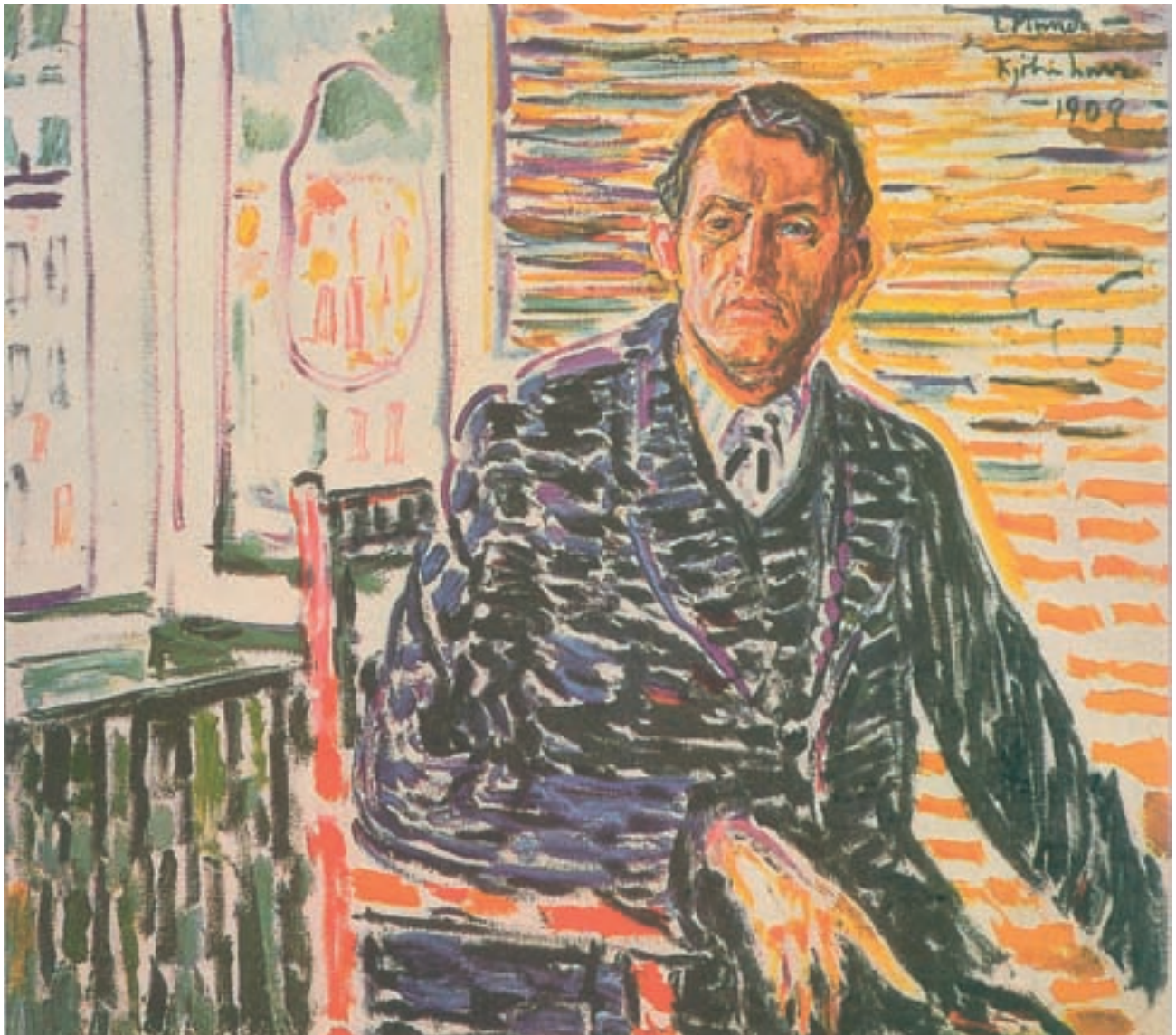
تصویر ۶۹- ۱ ارزش‌های خطی متفاوت در طراحی‌های اولیه

برای تولید شخصیت کارتون‌ی یا تصویری‌سازی



تصویر ۷۱- ۱ اثری از ونگوگ

کاربرد رنگ: خطوط در نقاشی به روش‌های دیگری نیز می‌توانند شکل و فرم را نمایش دهند. بعضی از هنرمندان خط را با رنگ‌های فام‌دار به‌وجود می‌آورند مانند آثار هنرمندان امپرسیونیست تصاویر ۷۳ و ۷۲-۱ و یا مانند تصویر ۷۴-۱ با استفاده از خطوط پهن و مارپیچی و رنگ و قلم‌مو اثری به‌وجود آمده است که یادآور مفهوم خط به عنوان نقطه متکثر در حال حرکت می‌باشد.



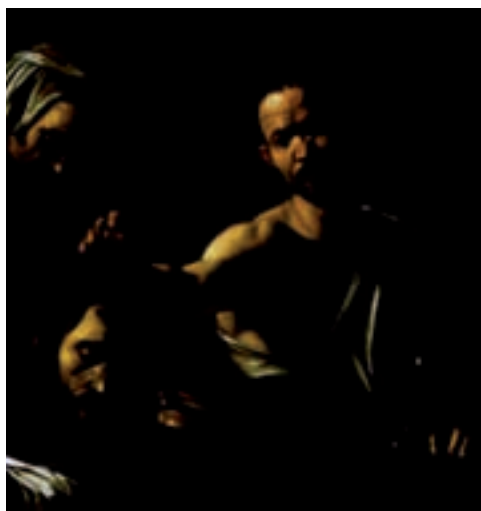
تصویر ۷۲-۱ اثری از ادوارد مونک





تصویر ۱-۷۴ خطوط در این اثر تداعی کننده‌ی حرکت نقطه است.

آشکار شدن و محو شدن خطوط محیطی: در آثار بعضی از نقاشان، تاکید بیشتر بر روی رنگ و ارزش تاریک روشنی است. در تصویر ۱-۷۵ اثر کاراواجو قسمت‌هایی از هر شکل به طور واضح دیده می‌شود و بعد در تاریکی گم می‌گردد، هنرمند گوشه‌هایی از طرح را به عنوان راهنما قرار داده و ذهن، قسمت‌هایی که در تاریکی قرار دارند را احساس می‌کند، ولی در واقعیت آن‌ها را نمی‌بینید و در واقع هنرمند به کمک خطوط ذهنی و آشکار شدن و محو شدن خطوط محیطی، وضوح نسبی را فراهم کرده است.



تصویر ۱-۷۵ - کاراواجو

با هم تجربه کنیم

- تمرین ۱-** با انواع مداد، قلم‌مو، ماژیک (مارکر) خط‌های متنوعی را طراحی کنید.
- توجه کنید، چطور یک خط می‌تواند پویاتر باشد.
 - به چند روش عمل نمایید، یک مرحله ابزار ثابت، خطوط متفاوت باشند و مرحله بعد ابزار متفاوت و نوع، جنس و آهنگ خط ثابت باشد.
 - با تنوع خطوط چه فضاهایی ایجاد می‌شود؟ آیا تغییر شکل خط کافی است؟ تغییر ابزار چه شرایطی را به‌وجود می‌آورد؟ آن‌ها را توصیف نمایید.
 - می‌توانید خط‌ها را جداگانه روی کادریهای برابر اجرا کنید و به صورت موزاییک کنار هم بچینید. بین کادرها فاصله برابر ایجاد کنید. فضای مابین کادرها، هم‌چنین بافت کاغذ (صیقلی، نرم، زبر، ...) در اثر تاثیرگذار هستند.

تمرین ۲- از موضوعات زیر انتخاب و در دفتر طراحی کنید.

هدف کسب تعادل در انتخاب اثرگذار و انواع خطوط ایجاد شده می باشد.

- حیوانات (اهلی - وحشی)

- رخدادهای ورزشی

- کودکان در پارک

- مردم در بازار

- مردم منتظر در ایستگاه‌ها حمل و نقل (اتوبوس، قطار و ...)

تمرین ۳- به موضوع‌هایی که علاقه‌مند هستید توجه کنید (مانند پرندگان، اشیاء، بلورجات و ...). و به کمک یک منظره‌یاب مستقیماً از روی موضوع یا عکس، بخشی از آن را انتخاب نمایید و طرح خطی را از تصویر اجرا و نهایتاً در جایگاه آن روی تصویر بچسبانید.

تمرین ۴- طرح ایجاد شده در تمرین ۳ را چندین بار تکرار کنید ولی هر بار نوع و آهنگ خط را تغییر دهید. آثار به‌وجود آمده را کنار هم بگذارید و بنا به تعاریف درس در مورد فضای خطوط، تصاویرتان را توصیف کنید.

تمرین ۵- یکی از موضوعات ارائه شده را انتخاب کرده و با انواع هاشور سطوح تیره و روشن آن را طراحی کنید.

تمرین ۶- یکی از جهات خط (افقی، عمودی، اریب) را در نظر گرفته و موضوعی متناسب با آن را انتخاب کرده و با حاکمیت آن خط به طراحی بپردازید.

کارگروهی

با آکرلیک سفید و سیاه و قلم‌مو یا رنگ‌های خاکی (اکر، اُخرایی تیره و روشن) یکی از تمرین‌های انجام شده را مجدداً اجرا کنید. (قبل از شروع کار روی مقوا را با لایه نازک و شفاف چسب چوب بپوشانید و بعد از خشک شدن کامل، کار را انجام دهید) سعی کنید در این کار یکی از انواع خطوط نمایان‌تر باشد.

گفتگو کنیم

طراحی‌های انجام شده در کارگاه را از نظر قدرت بیانی خط با یکدیگر مقایسه کنید.

هنگامی که خط‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند توده‌ای ایجاد می‌شود که خصوصیت حجم و سطح را دارد اما مانند آن‌ها موجب مسدود شدن فضا نمی‌شوند. بنابراین در ایجاد احجامی که این حالت اساس طرح در آن‌هاست، ساخت حجم‌های سیمی و مفتولی بهترین شیوه است.

در این نوع احجام انواع خطوط موجود است، خطوط اصلی به صورت‌های مختلف، منحنی، مایل یا افقی بروز یابند. باید توجه داشت در این روش فضایی اشغال نمی‌شود و بیشتر فضایی محاط می‌شود و این از خصوصیات برجسته این روش است.

حجم‌های خطی با مفتول سیمی (در آثار دوبعدی)

ابزار و مواد لازم :

- مفتول فلزی با ضخامتی که به راحتی بتوان آن را خمیده کرد.
- انبردست، دم باریک
- تیزبر یا سیم‌چین
- گونیا، خط‌کش
- پیش‌طرح

روش اجراء :

پیش‌طرح کار را به روش طراحی خطی اجرا نمائید. با خم کردن مفتول و پیچ و خم‌های لازم طرح را بوجود آورید. تا حد امکان از گره‌ها یعنی برش و اتصال پرهیز نمائید. به تصاویر با دقت توجه کنید. در اجراء به خطوط و تقسیم‌بندی‌ها در شکل توجه کنید. حالات انواع خطوط را به لحاظ هویت آن‌ها را با استفاده از سیم (ضخیم، نازک،.....) بکار بگیرید. تصاویر



تصویر ۱-۷۷ طرز کاربرد سیم چین، دم باریک



تصویر ۱-۷۶ لوازم اولیه



تصویر ۱-۷۹

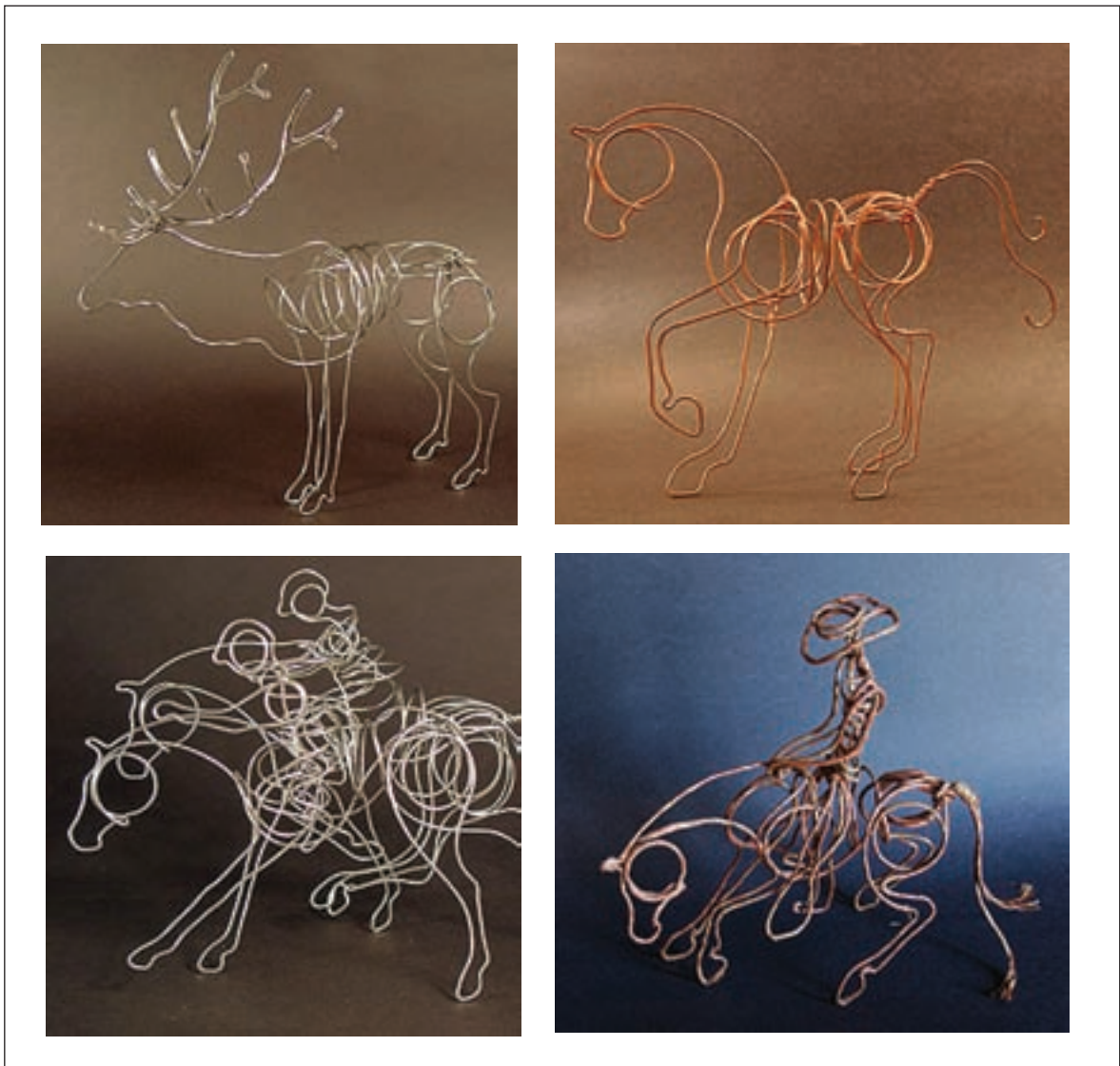


تصویر ۱-۷۸ نحوه ی ایجاد حلقه ها جهت تولید فرم یا گره، سیم



تصویر ۸۰-۱

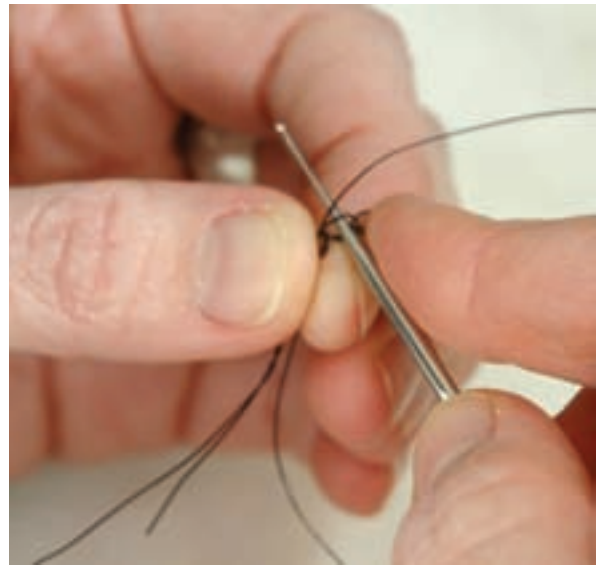




تصویر ۸۲- ۱ مراحل ساده تبدیل حجم و سه بعدی کار



تصویر ۸۳- ۱ استفاده از منجوق برای تولید بافت در احجام ساده



تصویر ۸۴- ۱ با مفتول های نازک قرقره ای می توان احجامی را به روش های مختلف تولید کرد در این این تصویر ایجاد حجم بوسیله قلاب بافی انجام شده است



تصویر ۸۵- ۱

- به صفحه ی (۶۰) تکنیک مفتول سیمی رجوع کنید و از طریق یکی از روش های مطرح شده یک حجم سیمی زیر نظر هنرآموز اجرا نمایید.
- سعی شود پیش طرح دقیق انجام شود و تمام گره ها و اتصالات در طرح مشخص شود.
 - از سیم های رنگی هم می توانید استفاده کنید.
 - در اجرای طرح از اندازه های کوچک پرهیز شود و تا آنجا که امکان دارد و به زیبایی طرح آسیب نمی رساند ، در اندازه های بزرگ اجرا شود.

نقد هنری

دستیابی به مفاهیم و شایستگی‌های آثار هنری نیازمند نگرش هدفمند بر آثار هنری است. توجه به داده‌های باستان‌شناسان، تاریخ‌نویسان و زندگی هنرمندان کمک به فهم مسائل می‌کند، اما لازمه‌ی درک درست و یافتن آگاهی، همراه شدن نگرش با ارزیابی در آثار است. بنابراین درک کامل یا شناخت چند بعدی توسط نقد اثر صورت می‌پذیرد. لذتی که از هنر نصیب شخص می‌شود تابع دو امر است: یکی کیفیت خود اثر و دیگری توانمندی شخص در بهره‌گیری از آگاهی‌ها و تجارب هنگام تماشای اثر. حال می‌خواهیم بدانیم چرا و به چه میزان؟

یکی از هدف‌های قابل قبول نقد، اظهار نظر تخصصی در باره‌ی ارزش یا درجه‌ی اثر هنری است. این‌جا مقایسه کردن چیزی با چیز دیگر پیش می‌آید و اظهار نظر و رای دادن به "خوب بودن". پس کدام اثر خوب یا بهتر است؟ چرا؟ این سؤال اساسی در نقد هنری است. در مرحله اول نقد، نیاز درک هنری است. اما در مراحل نهایی نیاز، ضابطه‌مندی اندیشه‌ها و آراء انسانی است. بنابراین باید کار نقادی در حد ممکن با درست اندیشی و صدق گفتار به انجام برسد.

ابزارهای نقد

- آشنایی گسترده به مقولات هنری به‌خصوص تاریخ هنر از ابزارهای مهم نقادی است.
- دیدار عمیق موزه‌ها، همچنین تولیدات نشر کمک شایانی به کسب دانش مورد نیاز می‌کند.

- حضور عوامل فنی و کار مواد که اسلوب هنرمندان است نیز مفید می‌باشد.
- دیدن نمایشگاه‌های هنری روز، شاهکارهای جهانی، نگارخانه‌ها، کارگاه‌های خصوصی دید لازم را به نقاد می‌دهد.
- فراگیری مبانی هنر تنها به دیدار آثار ماندگار منتهی نمی‌شود، بلکه شناخت کافی از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خالق اثر هنری یا دوره‌ای که می‌زیسته نیز می‌باشد.

انواع نقد

نقد گزارشگرانه : برای مطبوعات توسط روزنامه‌نگار جهت گزارش و اظهار نظر کلی و ساده در مورد اخبار هنری و نمایشگاه‌های روز.

نقد آموزشی : در مدارس عالی و دانشگاه‌ها توسط اساتید فن جهت اثربخشی روی آموزش گیرندگان.

نقد دانشورانه : در مجلات تخصصی توسط نقادان هنرمند که اصولی‌ترین نقدها است.

نقد مردمی : نقدی که اجراگر آن، عامه مردم هستند و فاقد مبانی نقد است ولی در عین بی‌اعتبار بودن، به علت داشتن رای اکثریت حائز اهمیت است.

خود هنرمند هم با هر تصمیمی که در کارش بگیرد دارای بعدی از نقادی است.

از آن‌جا که آموزش وظیفه این کتاب است، نقادی آموزشی قابل بحث است. هدف از نقادی آموزشی پروراندن استعدادهای هنری و ادراک زیبایی شناختی در هنرجویان است. نقادی آموزشی نیاز به طیف احساسی بسیار گسترده‌ای دارد.

یکی از وظایف مهم هنرآموز، عبارت است از تجزیه و تحلیل کار هنرجو برای خود هنرجو که باید هنرآموز بسیار حساس و وابسته به اصول بنیادین در نقد باشد.

در حال حاضر، فلسفه نقادی آموزشی تاکید و اصرار خود را بر کاهش نفوذ هنری هنرآموز در ذهن هنرجو دارد و به جای آن روش آموزش بر پایه پرورش دادن معیارهای نقادی نهفته در ذهنیت خود را دارد، معیارهایی که با رویش استعداد و شخصیت شاگرد هماهنگی دارد.

اجرای نقد هنر

فرایند اجرای نقد هنر که بر صلاحیت فرد نقاد و دانش او که همانند قاضی دادگاه است استوار است، چهار مرحله دارد.

- | | |
|----------------|------------------|
| Describe | ۱- شرح و توصیف |
| Analyze | ۲- تجزیه و تحلیل |
| Interpretation | ۳- تعبیر و تاویل |
| Judgment | ۴- قضاوت و داوری |

صورت برداری یا ضبط تمامی عناصر مشهود در اثر هنری که نباید با هرگونه استنباط، داوری یا بیان احساس شخصی همراه باشد را توصیف در نقد می‌گوییم. در این مرحله بیان نقد باید موجز و بی‌بار عاطفی و عاری از دلالت‌های ارزشی باشد. صرفاً فقط صورت برداری و جستار دقیق آن‌چه در اثر است ضبط و ثبت شود. از واژه‌هایی نظیر زیبا، زشت، بی‌قواره یا متناسب باید پرهیز کرد. باید ویژگی‌های اجرایی اثر همان‌طور که مشهود است، نقد شود.

مثلاً آیا رنگ یک‌ضرب گذارده شده، یا روی بوم غلتیده و ترکیب شده و ... و بعد دریابد آن مصالح چگونه شکل گرفته‌اند. و با چه شگردهایی جذب شده‌اند. و به بارزترین ویژگی‌های اسلوب پردازد و شرح جزئیات باید به اختصار مطرح شود. بنابراین شالوده کار در توصیف کاملاً فنی است. در تجزیه و تحلیل بصری، ناقد باید به کشف روابط میان عناصر و اشیاء در اثر پردازد و از مشهودات پافراتر نگذارد. در تجزیه صوری انتظارات یا کنجکاو نگرنده اهمیت به سزایی دارد. بر اساس آن‌چه به رؤیت درمی‌آوریم چه چیزی انتظار می‌رود؟ یا بهتر است بگوییم عادات فرهنگی ما چه انتظاری را دارد.

تجزیه‌گری از توصیف عینی شکل‌ها شروع می‌شود و به بیان ادراک می‌پردازد. بعد از این مرحله وارد تعبیر می‌شویم، بنابراین باید ناقد با توجه به توصیف و تجزیه اثر به مفهوم کلی پی ببرد، تا ناقد نمایه‌های اثر هنری را نداند، از مفهوم کلی نمی‌تواند درک درستی داشته باشد. تعبیر، کشف مبانی و نیت پنهان در اثر و همین‌طور ارتباط آن‌ها با زندگی امروز بشر را در بر می‌گیرد.

اصل مهم این‌که هنرمند هرچند صاحب رای در محتوای کار خویش است و ناقد هم به نظر هنرآفرین توجه دارد، اما درستی و اعتبار هر جزء از اثر را با روش‌های تجزیه و توجیه خود محک می‌زند.

اما چگونه می‌شود در مورد ابهاماتی که در استفاده کلام و واژگان در اصطلاحات شکل، سطح، رنگ و بافت و مانند آن‌ها وجود دارد بحث کرد؟ در دو مرحله توصیف و تجزیه کلماتی را به کار بردیم تا توجه بینندگان را بر رنگ‌ها، شکل‌ها و دیگر عناصر واقعی اثر هنری متمرکز کنیم. اما اکنون برای ارائه گفتارمان ضوابطی نیازمندیم که دلالت بر تغییرهای ادراکی نگرنده از آثار هنری یا تاکیدهای متفاوت در آن‌چه می‌بینید، دارد. بنابراین ابتدا فرضیه‌ای مطرح می‌شود و توجیهی ارادی با توجه به مدارک و مشهودات گردآوری شده انطباق می‌دهیم. در قدم اول ارائه شباهت خانوادگی اثر است.

پرده‌ی بعدازظهر یک‌شنبه، برای چند مخاطب معرفی می‌گردد:

کودکان: شرح جریات موضوع نقاشی که مردم در تعطیلات به تفرج می‌پردازند و به هر سو قدم می‌زنند، بعضی زیر سایه‌ها آرمیده‌اند، دوستانی همدیگر را ملاقات می‌کنند و ...

هنرجویان: کسانی که به زبان هنر آشنا هستند. همان نقاشی با اعتبار ویژگی‌های عناصر هنرهای تجسمی و کیفیات آن شرح داده می‌شود: بازنمایی نور، شکل‌ها، پارس سگ‌ها، فریاد کودکان و ... هنرآموز: آیا نقاشی سورا نمایان‌گر تحرکی سکون یافته و سر و صدایی که به صورت ناگهانی متوقف شده و پیوسته نیست و یا به خیال‌پردازی بینندگان بستگی دارد؟ نهایت داوری و نتیجه است. در داوری و قضاوت ذهن آدمی به دنبال سلسله مراتب می‌گردد که ارزش‌های آثار هنری را درجه بندی کند. و واژگانی نظیر نسبتاً، "خوب و بهتر" پدیدار می‌گردند. در مورد آثار هنری معاصر "اصل بودن" مطرح نمی‌گردد. بلکه تاثیر پذیرفتن و تقلید در مسیر مقایسه سرمشق‌های تاریخی انجام می‌شود.

اسلوب^۱ جایگاه خاصی دارد این‌که هنرمند چقدر تسلط بر کاربرد مواد و روش‌ها دارد، به شعار قدیمی "هنر همان ساختن است" بر می‌گردد. یادآور می‌شویم، یونانیان این معنا را از کلمه‌ی ^۲تخنه برابر با فن و صنعت در ذهنیت دارند. در حقیقت برای هنر و فن همان یک کلمه

۱. عرضه داشتن ابتکار در عین برقرار داشتن رابطه با محتوا و هدف اثر هنری

۲. techne

۳. art

به کار می‌رفت. هنر عبارت است از اندیشه به اضافه کار مواد که لحظه‌ای با وساطت فن یا اسلوب هنری به هم پیوسته و وحدتی به وجود می‌آورد. شناسایی فن در خدمت اندیشه تابعی است که از آغاز تمدن یونان با خطایی فلسفی روبرو بوده است. به هر حال نقاد باید اسلوب و روش را اول در نظر بگیرد. یعنی: چگونه اثری از لحاظ اصول فنی خوب بوده است؟ باید با هوشیاری به سودمندی و منطق و صرفه‌جویی کاربرد مواد و پیوستگی میان شکل و هدف داوری شود. و به سؤالاتی نظیر موارد زیر پاسخ گفته شود.

- نقاش در چه سطحی و میزانی از عهده اجرا برآمده است؟
 - آیا اسلوب هنری وی نشانگر ابتکار و خلاقیت و رسایی بیان در مصرف کار موادش هست؟
 - آیا اسلوب پیوستگی فرد را با طرح کلی اثر برقرار کرده است؟
 - آیا اسلوب موجب افزایش هم‌زمان آگاهی ما از کار مواد، شکل و محتوا می‌شود؟
- در نتیجه باید از تصنع‌گری [زیاده‌روی در بهره‌جویی از چیره‌دستی، ریزه‌کاری و شگردنمایی] و پرگویی ملال‌آور دوری کرد چرا که همیشه خوشی‌ها بر سرخوردگی‌ها افزون است و هیچ هنرمندی دست از کار بر نمی‌دارد و فرآیند آفرینش متناوباً افسردگی را یا نشاط‌انگیز است.

سوالات مطرح در چهار مرحله‌ی نقد هنر

بنابر آنچه گذشت، با به‌کارگیری اصطلاحات مهم هنری، عناصر هنرهای تجسمی و اصول دیزاین، قادر به نقد آثار هنری می‌شوید. سوالات ارزشمندی وجود دارند که در هر شاخه هنری می‌توانند قابل استفاده باشند. اگر چهار مرحله که معرفی خواهد شد مطالعه شود توانایی پاسخ‌گویی این مراحل در هر نقد هنری بوجود می‌آید. برای این که به راحتی این مراحل را به کار گرفته شود، مدتی زمان خواهد برد. البته اگر یک اثر هنری را طبق این تعاریف توسط هنرآموز نقد شود، هنرجویان قادر به درک بهتری از این تعاریف خواهند بود.

شرح و توصیف اثر: آن چه که می‌بینید بگویید.

- ۱- نام هنرمندی که اثر را خلق کرده چیست؟
- ۲- چه نوع اثر هنری است؟
- ۳- نام اثر هنری چیست؟

- ۴- اثر در چه زمانی و دوره‌ای خلق شده است؟*
- ۵- وقایع بزرگ و اصلی که هم‌زمان خلق اثر بوده چه هستند؟
- ۶- موضوع و اشیاء موجود در نقاشی را فهرست کنید (درختان- مردم- ...)
- ۷- اولین چیزی که موجب جلب توجه شما شد چه بود؟ چرا؟
- ۸- چه رنگ‌هایی را می‌بینید؟ آن‌ها را نام ببرید؟
- ۹- چه شکل‌هایی را می‌بینید؟ دورگیری یا کناره‌های شکل‌ها به چه صورتی هستند؟
- ۱۰- آیا خط در کار دیده می‌شود؟ اگر وجود دارد، چه نوع خطی هستند؟
- ۱۱- چه قسمی از بافت را در اثر می‌بینید؟ آن‌ها را چه طور توصیف می‌کنید؟
- ۱۲- چه زمانی از روز یا شب است؟ در مورد آن چه می‌توانید بگویید؟
- ۱۳- چه جلوه‌های بصری و حالتی در اثر وجود دارد؟

تجزیه و تحلیل موشکافانه

- ۱- چطور هنرمند از رنگ در اثرش استفاده کرده است؟
- ۲- رنگ‌ها به چه معنا و مفهومی در اثر به کار گرفته شده‌اند؟
- ۳- چطور هنرمند شکل‌ها را استفاده کرده است؟
- ۴- خطوط به چه طریقی در اثر وجود دارند؟ یا نقش دیگری دارند؟ آیا هنرمند آن‌ها را به عنوان قسمت مهم و برجسته به کار گرفته است؟
- ۵- بافت چه نقشی در اثر دارد؟ هنرمند بافت را به روش خیالی و اشتباه‌بینایی به وجود آورده یا بافت قابل لمس و واقعی به وجود آورده است؟
- ۶- نور چگونه به کار رفته است؟ در تصور منظره، نور و سایه واقعی هستند یا آبستره؟
- ۷- در کل تاثیر بصری و حالت کار چگونه است؟
- ۸- هنرمند برای ویژه بودن کار با ایجاد تمرکز روی اثرش چگونه عناصر هنر را دیزاین کرده است؟

تعبیر و تاویل

در تعبیر، معنی و مفهوم اثر جستجو می‌شود و آن‌چه که در اثر دیده می‌شود، شاید دور از آموزش‌های هنری باشد. در حقیقت کوششی است برای وضوح آن‌چه که هنرمند سعی در بیان آن داشته است.

* موارد ۱ تا ۴ متاسفانه در بعضی تصاویر این کتاب رعایت نشده و در راهنمای معلمین خواهد آمد. و علت آن پرهیز از حجم زیاد اطلاعات شناسنامه‌ای جهت آزمون کنکور می‌باشد.

- ۱- هنرمند چه چیزی را اظهار نموده است؟
- ۲- شما چه معنی از آن درک می‌کنید؟
- ۳- اثر چه معنایی دارد؟
- ۴- چه ارتباطی با شما و زندگیتان دارد؟
- ۵- وقتی اثر را تماشا می‌کنید، چه احساسی دارید؟
- ۶- آیا چیزهایی در اثر وجود دارد که نشان و سمبل چیز دیگری باشد؟
- ۷- شما چه فکر می‌کنید چرا هنرمند این روش یا مفهوم را انتخاب کرده و به چه علت یک اثر هنری مطلوب و مشهوری تبدیل شده است؟
- ۸- چرا هنرمند این اثر هنری را خلق کرده است؟

قضایات و داوری

شما بعد از مشاهده دقیق، تجزیه و تحلیل و تعبیر اثر هنری، آمادگی برای داوری دارید. بنابراین با توجه به فهم و سطح درک‌تان از اصول و الفبای هنر می‌توانید ارزشیابی از اثر بیان نمایید.

۱- چرا شما فکر می‌کنید که ارزش‌های اثر حقیقی و یا مطلوب هستند؟ چه ارزش‌هایی را در کار، پیدا کرده‌اید؟ (برای مثال، آیا اثر هنری زیبا است، پیام اجتماعی مهمی را انتقال می‌دهد؟ آیا در عادات و روش‌هایی که در دنیا وجود دارد تاثیرگذار است؟ در جهت تاکید آگاهانه از باورهای یک مذهب است؟)

۲- آیا اثر فایده و سودی برای گروه یا اجتماع ایجاد می‌کند؟

۳- فکر می‌کنید چه تاثیری روی دیگران خواهد داشت؟

۴- اگر معتقدید اثر نامطلوب است، علل آن چیست؟ آیا دلیل فقدان کیفیت مطلوب،

درست به کار نگرفتن عناصر هنری است؟ یا دلایل دیگری دارد؟

۵- آیا یک اثر بهتر است که بسیار تاثیرگذار یا کاملاً بی‌ارزش باشد؟ یا این که بین دو حالت باشد

و فقط قابل قبول باشد؟ بدون احساس شخصی باشد؟ بدون نقطه تمرکز باشد؟ در نقد نظارت

مثبت و منفی خود را واضح و روشن مشخص کنید.



نمونه‌ای از نقد هنری

اتاق قرمز اثر هنری ماتیس

به این اثر خوب توجه کنید و مشاهدات خود را در چهار مرحله ثبت نمایید.

• **شرح و توصیف اثر:** چه چیزهایی در اثر دیده می‌شوند؟

اتاق قرمز، صندلی چوبی با نشیمن‌گاه بافت کتفی، میز و رومیزی، زن، میوه و نوشیدنی، شاخه‌های گل در گلدان، پنجره، منظره پشت پنجره، درختان، بوته‌ها، و ساختمان، رنگهای: قرمز آبی، سبز، زرد، سفید و سیاه

• **تجزیه و تحلیل اثر:** دوباره با دقت بیشتری اثر را مورد توجه قرار دهید . چطور اجزاء اثر سازماندهی شده‌اند؟

عناصر هنری بکار رفته :

۱. رنگ: قرمز، آبی، زرد، سبز، سیاه و سفید
۲. خط: خطوط صاف در محیط میز و صندلی - خطوط منحنی در گلها و نگاره‌ها (پترن)
۳. شکل: هندسی و غیرهندسی و اندام‌وار
۴. فضا: فضای شلوغ و ژرف‌نمایی اندک و تخت
۵. بافت: نگاره‌های رومیزی و کاغذ دیواری

اصول و قواعد دیزاین به کار رفته :

۱. وحدت: رنگ، شکل و خط
۲. تعادل: زن- صندلی، اتاق - پنجره
۳. تباین: قرمز- سبز، سیاه- سفید، نگاره‌های پیچ‌دار- نقوش تخت، منحنی ها - خطوط صاف
۴. تاکید: زن و میوه‌های چیده شده
۵. حرکت: مورب از سمت راست پائین، بالای سمت چپ خطوط منحنی و قوس‌دار نگاره‌ها و درختان
۶. ضرب‌آهنگ بصری: تکرار در نگاره‌های قوس‌دار نقش کاغذ دیواری و رومیزی و درختان- رنگ در لیموها و گلها
۷. تناسب در مربع بزرگ و کوچک

• **تفسیر و تعبیر اثر:** چه تلاش‌هایی هنرمند برای ایجاد ارتباط کرده است؟

از آنچه که در دو مرحله گذشته جمع‌آوری کرده‌اید چه ایده و احساسی دارید؟ در ذهن شما چه اثری گذاشته است؟

هنری ماتیس با استفاده آگاهانه از رنگ گرم قرمز به عنوان عنصر غالب و مسلط استفاده کرده است و از آنجا که رنگ قرمز تداعی کننده ی، گرمی آتش و خورشید و همچنین رنگ خون است و موجب بالا رفتن تپش قلب و نبض می‌شود در بیننده اثر خوشایندی حاصل

می‌شود. بیشترین تحریک و انتقال انرژی درون به بیرون در انسان توسط رنگ‌های گرم صورت می‌گیرد و انتخاب رنگ‌های نارنجی زرد و قرمز در اثر این احساس را گسترش می‌دهند. در سراسر تاریخ هنر، هنرمندان از تاثیرات رنگ برای تشدید و یا اغراق در انتقال مفهوم و انرژی بهره برده اند. چنانچه در اوایل قرن بیستم در فرانسه گروهی که تاکید زیادی روی انتخاب و کاربرد رنگ‌ها داشتند " فوو " نامیده شده و در تاریخ هنر سبک آنها فوویسم ثبت شد. " هنری ماتیس و آندره درین " از هنرمندان پیشرو فوویسم بودند.

• **قضاوت در مورد اثر:** آیا این اثر هنری موفق بوده است؟ احساس شما از ترکیب قرمز و آبی چیست؟

سه موفقیت جالب در اثر به چشم می‌خورد ، مهمترین موفقیت این اثر انتخاب رنگ قرمز است برای اینکه قرار بوده روی دیوارهای آبی - سبز رستورانی آویخته شود. بنابراین تهیج و تحریک رنگ‌های گرم موجب گرسنگی بیشتر یا درخواست کسب انرژی بیشتری می‌شود و در روند کار رستوران بسیار موثر بوده است. شوک دوم که باعث ماندگاری اثر در ذهن می‌شود استفاده ژرف نمایی خاصی در اثر است. ماتیس خطوط محیطی میز و صندلی و پنجره را شکسته و پرسپکتیو آنها را تغییر داده است و این حرکت موجب فراخی و وسعت اتاق نشیمن شده است و از طرف دیگر همنشینی سبز در پنجره به صورت مربع کوچک تر در کنار اتاق مربع بزرگتر قرمز موجب پختگی اثر شده است. آیا اثر موفق است؟ بله.

دلایل شما چیست؟

نظرات و آراء موافق و مساعد و مخالف را واضح و شفاف اعلام فرمایید؟

شكل







شکل ۲

اهداف رفتاری: از فراگیر انتظار می‌رود، پس از پایان این فصل بتواند:

- ۱- شکل را تعریف کند.
- ۲- اهمیت عنصر شکل در هنرهای تجسمی را شرح دهد.
- ۳- تفاوت شکل به صورت سطح و حجم را بیان کند.
- ۴- طبیعت گرایی و اغراق را در هنرهای تجسمی شرح دهد.
- ۵- شکل‌های طبیعت گرایانه و اغراق آمیز را در آثارش به کار برد.
- ۶- به شیوه‌ی آبستره، یک اثر هنری به‌وجود آورد.
- ۷- ویژگی شکل‌های بنیادی را شرح دهد.
- ۸- از شکل‌های بنیادی در آثارش به درستی استفاده کند.
- ۹- از شکل‌های مثبت و منفی در آثارش به خوبی استفاده نماید.
- ۱۰- در آثار هنرمندان و مشاهیر شکل‌های اغراق آمیز را توصیف نماید.
- ۱۱- نقلی از آثار خود با توجه به شرایط و کاربرد شکل‌های بنیادی ارائه نماید.
- ۱۲- حالات شکل‌ها مثبت و منفی را با ذکر خصوصیات آن، شرح دهد.

درس در یک نگاه

- شکل از طریق محصور شدن محیطی و یا لکه‌ی رنگ به وجود می‌آید.
- شکل می‌تواند به صورت دو بعدی (سطح) و یا سه بعدی (حجم) باشد.

- وقتی شکل مثبت وضوح پیدا می‌کند که اطراف آن را شکل منفی یا بافت احاطه کند.
- هرگاه شکل مثبت و منفی به یک اندازه انرژی داشته باشند وارونگی شکل و زمینه اتفاق می‌افتد.
- در یک اثر هنری فضاهای منفی نیز به اندازه‌ی فضاهای مثبت ارزشمند می‌باشند.
- وقتی درجه بندی سایه و روشن صورت گیرد حجم به وجود می‌آید.
- اما امروزه پیشرفت هنر عکاسی باعث شده است که نقاشان و طراحان به اغراق در آثارشان بیش‌تر روی آوردند و از عین‌گرایی پرهیز می‌کنند.
- آبستره نوعی ساده سازی تصاویر طبیعی به کمک اشکال هندسی و غیر هندسی است.
- گاهی، هنرمندان از ویژگی بصری اشکال پایه (مثلث، مربع، دایره) برای القاء مفاهیم استفاده می‌کنند.
- «آرت نوو» سبکی مربوط به قرن نوزدهم است که تاکید بر روی خطوط منحنی با شکل‌های طبیعی دارد. ▶

اهمیت شکل

ما در محیط پیرامونمان به صورت‌های مختلفی با شکل مواجه می‌شویم و بسیاری از ادراکاتمان از طریق اشکال صورت می‌گیرد.

به طور کلی در طبیعت اشکال به صورت هندسی و یا غیر هندسی دیده می‌شوند. و می‌توانند دو بعدی یا سه بعدی باشند. به عبارت دیگر اشکال از نظر بعد به دو صورت سطح و حجم مطرح می‌شوند (تصویر ۲ و ۱-۲).



تصویر ۲-۲ تنوع سطح و حجم در طبیعت

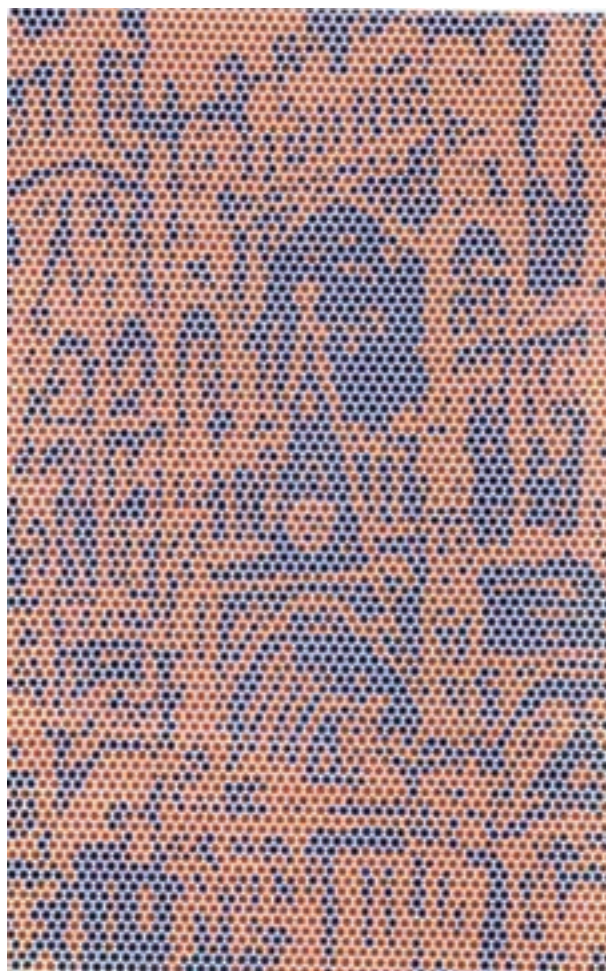


تصویر ۲-۱ سطح در طبیعت

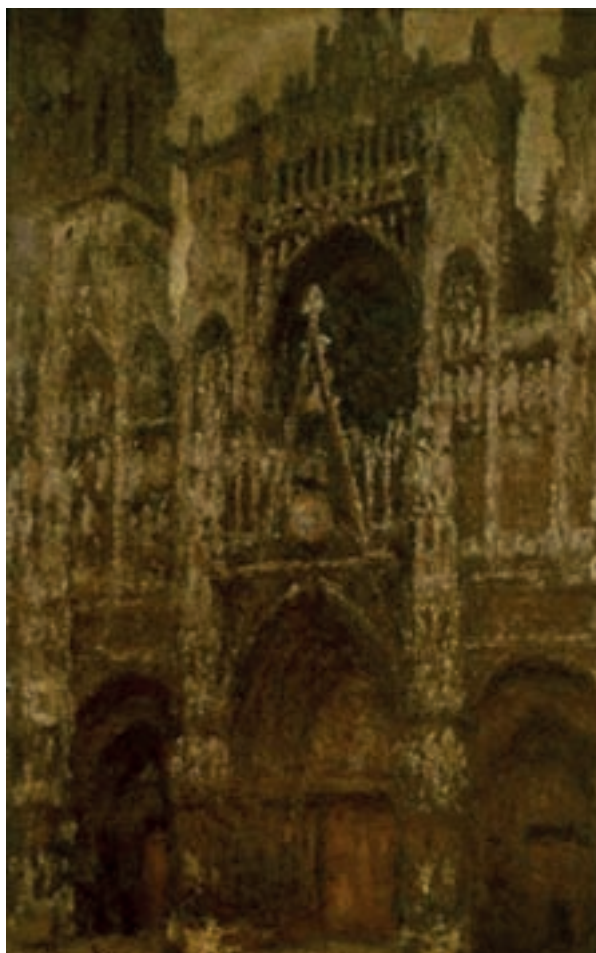
در هنرهای بصری هر محدوده‌ای که از طریق بسته شدن یک خط و یا رنگ به وجود آید، شکل نامیده می‌شود.

در به وجود آوردن یک اثر بصری نحوه چیدمان اشکال در کادر از ارزش بالایی برخوردار است، زیرا یک تصویر می‌تواند رنگ و یا بافت نداشته باشد، اما برای تشکیل آن وجود شکل ضروری است.

در بازنمایی تصاویر بیش‌ترین بیان معانی و نور به وسیله‌ی شکل صورت می‌گیرد. در تصویر ۲-۳ الف که یک اثر امپرسیونیستی می‌باشد نورها و سایه‌ها، اشکال را به وجود آورده‌اند. و اگر این تصویر را از نزدیک و دقیق بررسی کنیم نقاط بسیاری را می‌بینیم که اشکال و تصاویر را ساخته‌اند و در نهایت با تشکیل شکل، تصویر قابل شناخت و ادراک شده است (تصویر ۲-۳ ب).



تصویر ۲-۳ ب



تصویر ۲-۳ الف - کلودمونه

شکل به صورت سطح یا حجم

با شنیدن واژه‌ی شکل معمولا به یاد عنصر دو بعدی می‌افتیم، هر چند که در مواردی نیز شکل‌های مسطح به صورت سه بعدی (مجازی) ظاهر می‌شوند^۱ (تصویر ۴-۲). و وقتی صحبت از حجم می‌شود توده‌ای سه بعدی در نظرمان مجسم می‌شود.



تصویر ۴-۲ ایجاد حجم مجازی بر روی سطح

به بیان دیگر شکل در آثار دو بعدی به صورت سطح و در آثار سه بعدی به صورت حجم مطرح می‌شود. و در این رابطه نور عامل مهمی می‌باشد، زیرا نور نقش تعیین کننده‌ای در بیان حجم دارد.

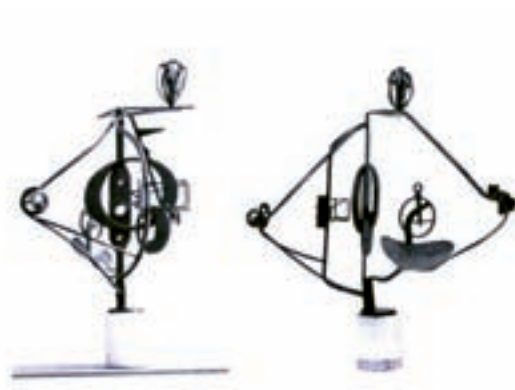
اشکال در آثار دو بعدی مانند نقاشی معمولا ثابت هستند زیرا زاویه‌ی دید ناظر در آن تاثیر زیادی ندارد. اما در آثار حجمی زاویه‌ی دید از اهمیت بالایی برخوردار است و با حرکت در اطراف یک اثر حجمی و بررسی اشکال می‌توان تغییرات آن را بررسی کرد.

۱. همان‌طور که در سال‌های قبل آموخته‌اید در هنرهای بصری دو بعدی، ایجاد حجم و بعد سوم، در اثر نوعی خطای چشمی به‌وجود می‌آید، به این معنی که در کلیه‌ی تصاویر دو بعدی مانند نقاشی، طراحی، عکاسی و ...، عمق و بعد سوم با استفاده از فن پرسپکتیو به دست می‌آید که نوعی خطای بصری به شمار می‌رود. ولی حجم در هنرهای سه بعدی، مانند مجسمه‌سازی معماری و ...، واقعیتی قابل لمس است.

همین امر سبب شده است که طراحان مجسمه‌ساز از زوایای مختلف به بررسی اثر خود بپردازند و گاهی به علت محل قرارگیری حجم آن را از زوایای پایین و بالا نیز کاملاً مورد بررسی و توجه قرار دهند (تصویر ۶ و ۵-۲).



تصویر ۶-۲ گاهی احوال در فضایی قرار می‌گیرند که زاویه‌ی دید بالا نیز دارای اهمیت می‌شود.



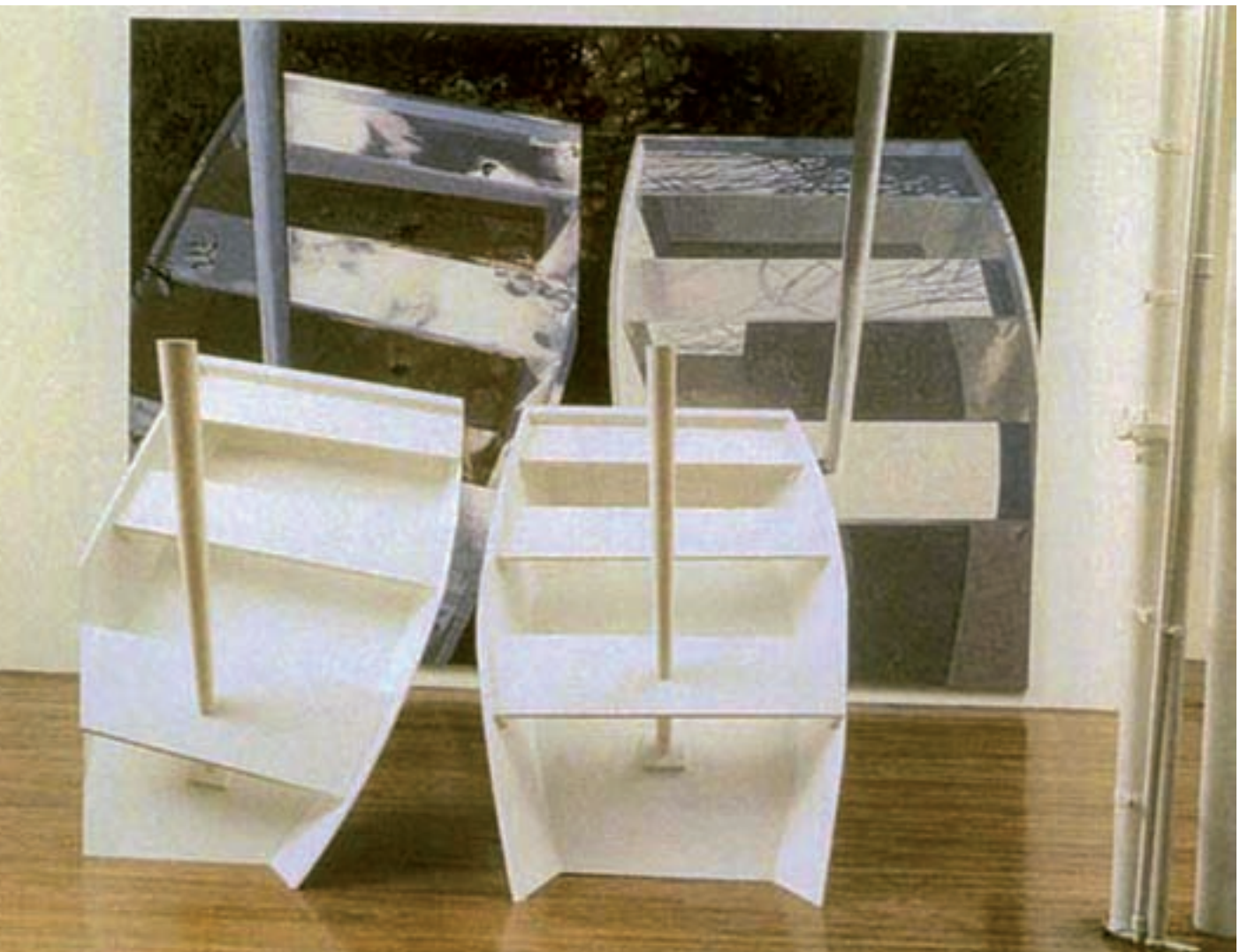
تصویر ۵-۲

در بعضی از آثار بصری به طور قاطع نمی‌توان مشخص کرد که کار دو بعدی یا سه بعدی است. به طور مثال در آثار حکاکی، نقش‌ها عمق و یا برجستگی کمی دارند، هم دارای خصوصیات کارهای حجمی هستند و هم از بعضی جهات دو بعدی محسوب می‌شوند (تصویر ۷-۲).



تصویر ۷-۲ نقش برجسته

امروزه بسیاری از هنرمندان کوشش می‌کنند مرز بین نقاشی، طراحی، مجسمه‌سازی و معماری را شکسته و با روش‌های مختلفی عناصر دو بعدی و سه بعدی را با یکدیگر ترکیب کنند. به طور مثال در تصویر ۸-۲ طراحی و حجم ارائه شده مکمل یکدیگرند. در این تصویر یک نقاشی رنگ و روغن از قایق‌ها در کنار یک کار سه بعدی گذاشته شده است. و به نظر می‌رسد اثر حجمی گونه‌ی دیگری از همان نقاشی است. عناصر حجمی در این نقاشی بیش‌تر اشاره به سطح دارد و توسط کادر بریده شده است. در اثر حجمی نیز هنرمند شکل را به همان صورت بریده و به نمایش در آورده است، و از این طریق هنرمند تمایل همیشگی به وجود آوردن «سه بعد» در آثار نقاشی را مورد توجه قرار داده است.



تصویر ۸-۲ به کارگیری حجم واقعی در کنار حجم مجازی

اغراق در شکل

بسیاری از مردم فکر می‌کنند تصاویر اغراق آمیز و انتزاعی مربوط به هنرمندان می‌باشد. اما همانطور که تصاویر و طراحی‌های باقی‌مانده در غارها گواهی می‌دهند، استفاده از اغراق از ابتدای تاریخ وجود داشته است (تصویر ۹-۲).



تصویر ۹-۲



تصویر ۱۰-۲ اثر پیکاسو

البته تا قبل از اختراع عکاسی هنرمندان تمایل بیش‌تری به کشیدن تصاویر طبیعت گرایانه داشتند.

در طرح‌ها و نقاشی‌های پیکاسو این شیوه به خوبی مشهود است (تصویر ۱۰-۲).

هنرمندان مجسمه‌ساز نیز معمولاً در آثارشان از طریق اغراق به بیان افکار و احساساتشان می‌پردازند که در این مورد آثار آلبرت جاکومتی گویای این مطلب می‌باشند (تصویر ۱۱-۲).

اغراق در هنر گرافیک نیز برای بیان بهتر مفاهیم به کار گرفته می‌شود. در تصویر ۱۲-۲ فرم انسانی به صورت اغراق آمیزی کشیده شده است و دلیل آن ویژگی‌های بازی بسکتبال است، که بازیکنان در آن دائم در حال حرکت و پرش هستند و این تصویر نیز به صورت اغراق آمیزی بر این امر تاکید دارد.



تصویر ۱۲-۲ - اغراق در تصاویر گرافیکی



تصویر ۱۱-۲ - جاکومتی

طبیعت‌گرایی^۱ و آرمان‌گرایی^۲

در طبیعت‌گرایی با ظاهر اشیاء به همان صورت که در جهان پیرامون با آن‌ها روبرو هستیم، مواجه می‌شویم. در تضاد با این نوع برخورد با تصویر، شیوه‌ی دیگری در هنر وجود دارد به نام آرمان‌گرایی، در این شیوه هنرمند جهان را دوباره می‌سازد نه آن‌گونه که هست، بلکه آن‌گونه که باید باشد و به اصلاح کاستی‌ها و ناسازگاری‌های جهان بصری می‌پردازد. هنرمندان رنسانسی در نقاشی‌هایشان در پی نمایش آرمان‌ها بودند، نه از آن جهت که از نگرستن به دنیا پرهیز داشتند، بلکه از آن رو که می‌خواستند حقیقت مطلق و پنهان در این جهان را بیابند.

در آرمان‌گرایی (ایده‌آلیسم)، روح، ذهن یا روان فراتر از بدن_که مادی و تاریخ‌مند است_ می‌باشد و جهان فیزیکی نسبت به ذهن اهمیت کم‌تری دارد. ایده‌آلیسم در آثار داوینچی، رافائل، میکل‌آنژ با تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در آثار میکل‌آنژ بدن‌ها با استفاده از عظمت در تناسبات به صورت آرمانی در می‌آیند، در آثار او پیکرها اغلب به شکل حیرت‌انگیزی عضلانی هستند. آرمان‌گرایی لئوناردو داوینچی نیز تفاوت داشت، ویژگی هنر او تاکید بر یافتن عنصر الهی و ملکوتی در وجود انسان‌های کامل و بی‌نقص بود. نمایش حالات ظریف و دقیق در چهره‌ها، هماهنگی پیکر با محیط اطرافش و حذف جزئیات غیر ضروری برای القای حرکت، همگی جنبه‌ای از آرمان‌گرایی لئوناردو داوینچی هستند (تصویر ۱۳-۲).

در آثار رافائل نیز پیکرها به همان میزان آرمانی هستند، اما بیش از عظمت و شکوه جسمانی، با شیرینی بیان، آرامش و وقار، لطافت و زیبایی، وضوح در خط و زیبایی در رنگ ترسیم شده‌اند. در اثر رافائل تصویر ۱۴-۲ پیکرها به صورت آرمانی تصور شده‌اند و از لحاظ شکل و رنگ بسیار زیبا هستند. ترکیب‌بندی حس سادگی و وضوح را در مخاطب تقویت می‌کند. سادگی و وضوح دو آرمان عمده‌ای هستند که رافائل پیوسته در آثارش دنبال می‌کند.

۱ . Naturalism

۲ . Idealism

همه‌ی ما به گونه‌ای آرمان‌گرا هستیم و برای رسیدن به کمال می‌کوشیم. مدارک به‌جا مانده در آثار تاریخی گواه این مسئله است که انسان باور دارد که می‌تواند جهانی بسازد بدون جنگ، فقر، بیماری، بی‌عدالتی و هنر و به صورت دوره‌ای و آشکار این مدینه‌ی فاضله را بازنمایی می‌کند.



تصویر ۱۴-۲ اثر رافائل



تصویر ۱۳-۲ اثر لئوناردو داوینچی

ماهیت شکل

در آثار هنری ماهیت شکل با تغییراتی که در آن به‌وجود می‌آید می‌تواند بسیار متفاوت شود. نوع به‌خصوصی از تغییر در هنر که با ساده‌سازی تصاویر طبیعی همراه است «آبستره» نامیده می‌شود.

در این شیوه جزئیات نادیده گرفته شده و معمولاً تا جایی که امکان دارد ساده می‌شود (تصویر ۱۵-۲).

در یک اثر آبستره آن‌چه که مهم و آشکار است سادگی آن است. البته درجه ساده‌سازی می‌تواند متفاوت باشد مثلاً در تصویر ۱۵-۲ جزئیات تصویر حذف شده و فرم‌ها به اشکال هندسی نزدیک شده‌اند اما هنوز موضوع اصلی به راحتی قابل شناسایی است.



تصویر ۱۶-۲ ماسک چوبی



تصویر ۱۵-۲

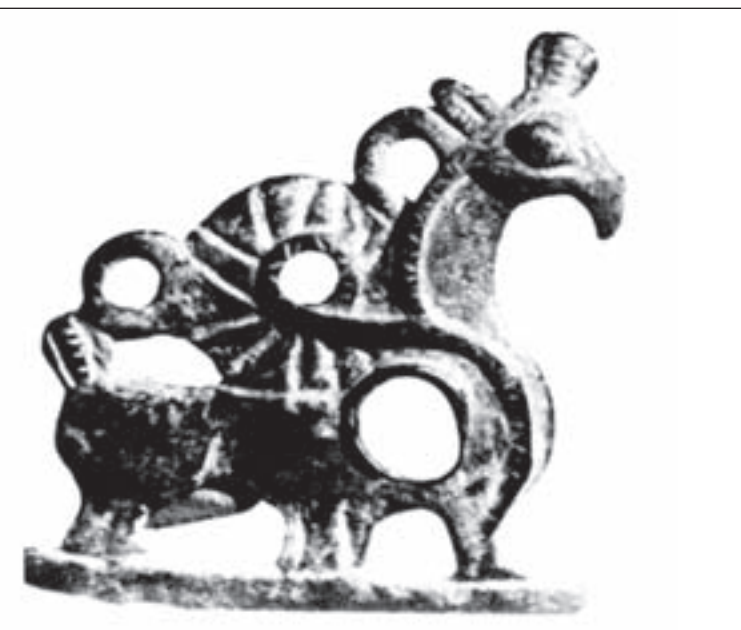
هنر آبستره تکنیک جدیدی نیست و در قرن‌ها پیش نیز به کار می‌رفته است در تصویر ماسک چوبی (۲-۱۶). فرم‌ها ساده شده و هندسی هستند و یک اثر آبستره محسوب می‌شود هر چند که با تصویر ۲-۱۵ خیلی متفاوت است. از این مقایسه می‌توان به این نتیجه رسید که، یکی از قاعده‌های هنر آبستره تقریباً هندسی کردن اشکال در ساده‌سازی است. البته همانطور که گفته شد میزان این ساده‌سازی می‌تواند متفاوت باشد و همیشه موضوع اصلی یک کار آبستره به راحتی قابل شناسایی نیست. در مواردی نیز شکل‌ها یادآور تصویر خاصی نیستند. در تصاویر ۲۰ الی ۲-۱۷ درجات متفاوتی از آبستره قابل مشاهده است.



تصویر ۲-۱۸ اثر نائوم گابو



تصویر ۲-۱۷ اثر حجمی، آبستره



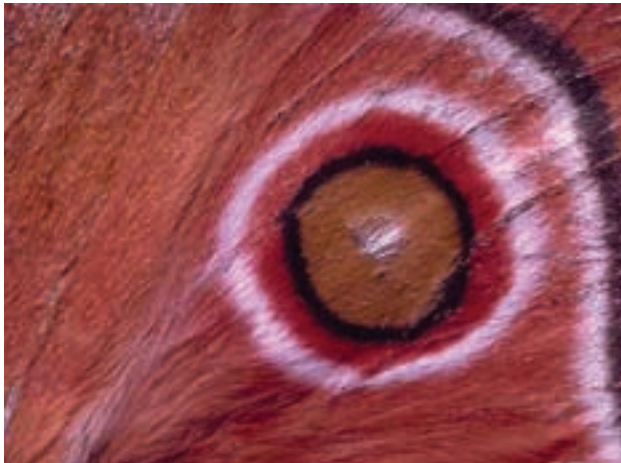
تصویر ۲-۲۰ مفرغ لرستان



تصویر ۲-۱۹ به وجود آمدن تصاویر آبستره توسط خطوط غیر هندسی

انواع شکل

در مبحث خط گفته شد که از تکرار نقطه خط به وجود می آید. در مورد سطح نیز می توان گفت که از تکرار و حرکت خط در فضا در جهتی مخالف حرکت اصلی خود به وجود می آید. و یا همان طور که دو نقطه در فاصله ای مرتبط با هم مطرح شوند خط ذهنی را القا می کنند. به همین نحو در صورتی که حداقل سه نقطه در فاصله ای مرتبط با هم مطرح گردند، فضایی را مشخص می کنند که به صورت سطح ذهنی قابل درک می باشد. همان طور که در ابتدای مبحث گفته شد، از بسته شدن یک خط نیز سطح به وجود می آید که می تواند به صورت غیر هندسی و یا هندسی باشد (تصویر ۲۱-۲).



تصویر ۲۱ - ۲ نمونه هایی از اشکال در طبیعت

سطح هندسی در سه شکل بنیادی مربع، مثلث و دایره خلاصه می‌شود که هر کدام از نظر بصری دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند و جهت بصری خاص و معنا داری را بیان می‌کنند، مربع جهت افقی و عمودی، مثلث جهت اریب و دایره جهت دورانی و هنرمندان نیز از این ویژگی‌ها برای القاء مفاهیم مورد نظر خود بهره می‌گیرند.

مثلا شکل مربع به علت داشتن زوایای ۹۰ درجه و خطوط عمود، محکم و استوار دیده می‌شود و نمودار سکون، منطق و مردانگی است (تصویر ۲۲-۲). مربع که چهار ضلع دارد از نظر فلسفی وابسته به نظم گیتی و جهان مادی است و به طور نمادین آن‌چه را که برای ساختن جهان ضروری است، نمایش می‌دهد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد الگوی چهار ایوانی از دوره ساسانی اشاره به چهار جهت اصلی^۱، چهار عنصر^۲ و چهار فصل و چهار دوره‌ی عمر آدمی دارد. الگوی چهار پس از اسلام در مساجد چهار ایوانی و چهار باغ و... ادامه می‌یابد. (۲-۲۳)



تصویر ۲۲ - ۲

۱. شمال، جنوب، مشرق، مغرب
۲. آب، باد، خاک، آتش



دایره از بعضی جهات معنایی متضاد با شکل مربع دارد. مثلاً دایره بیانگر حرکت و احساس است و می‌تواند نمادی از زنانگی باشد.

دایره مانند کره نمادی است برای کیهان و آسمان‌ها، دایره چون دارای آغاز و پایانی نیست دلالت، بر ابدیت دارد. شکل دایره به صورت نماد در فرهنگ‌های مختلف دیده می‌شود.



تصویر ۲۳-۲

شکل مثلث به علت دارا بودن زوایای متفاوت و نحوه‌ی قرار گیری، دارای حالات متغیری است و می‌تواند القا کننده‌ی ایستایی و استحکام و یا تزلزل باشد. مثلاً مثلثی که قاعده‌اش پایین باشد، شکلی پایدار بوده و می‌تواند نماد استحکام باشد و بر عکس هرگاه بر یکی از رئوس خود قرار گیرد حالت ناپایدار و متزلزل به خود می‌گیرد (تصویر ۲۴-۲). هنرمندان از حرکت اریب و پرنرژی مثلث در آثار خود بسیار بهره برده‌اند (تصویر ۲۵-۲).



تصویر ۲۴-۲ نمایش حرکت با استفاده از شکل مثلث



کاربرد خط در ایجاد شکل

به تصاویر ۲۸ و ۲۷ و ۲۶-۲ نگاه کنید. چه خطوطی در این تصاویر دیده می‌شوند؟ همان‌طور که مشاهده می‌شود روحیه‌ی خطوط منحنی و شکسته در این آثار کاملاً تاثیر گذار است.



تصویر ۲۶-۲



تصویر ۲۸-۲



تصویر ۲۷-۲

► تصویر ۲۵-۲ شاهنامه بایسنقری، کشتن اسفندیار ارجاسب را

شکل صندلی با استفاده از خطوط منحنی منتقل کننده ی حس راحتی و نرمی می باشد. در تصویر ۲۹-۲ تاکید بر روی خطوط و سطوح منحنی تیره و روشن است. این پوستر که مربوط به قرن نوزدهم میلادی می باشد معرف سبک «آرت نوو» است. این سبک تزئینی در مقابل هنر آکادمیک مرسوم در سده نوزدهم، از بطن آزمایش گری های نقاشان، معماران، صنعت گران و طراحان سر برآورده بود.



تصویر ۲۹-۲ پوستر، آرنوو



تصویر ۳۰-۲ به کارگیری پویایی خطوط مثبت و منفی در آثار گرافیک

هنرمندان این جنبش علاوه بر آمیختن رشته‌های مختلف هنری با یکدیگر می‌کوشیدند هنری نو را پدید آوردند و به همین منظور به بهره‌گیری از سبک‌هایی رو آوردند که کمتر شناخته شده بود. بدین ترتیب شکل‌ها یا شیوه‌هایی را که با جست‌وجوی انتزاع مبتنی بر حرکت‌های خطی، سازگار بود، از هنر شرقی، قرون وسطایی و یا از گوتیک الهام گرفته و در آثار خود به کار بردند. در این سبک تاکید تصویر بر روی خطوط منحنی با شکل‌های طبیعی است. اصولاً نرمی و لطافت خط منحنی یادآور طبیعت‌اند در حالی که شکل‌های زاویه‌دار بیش‌تر تداعی‌کننده‌ی اشکال هندسی و منظم و همین‌طور اشیاء مصنوع و صنعتی است. هنرمندان با استفاده از روحیه‌ی خط‌های مختلف به نمایش اشکال می‌پردازند و از این طریق افکار و احساسات خود را به نمایش می‌گذارند به‌طور مثال در تصویر ۳۰-۲ به کارگیری ریتم خطوط مثبت و منفی حرکت و پویایی منظم و هندسی به وجود آورده است.

شکل‌های مثبت و منفی

در یک کادر تصویری فضای اشغال شده به وسیله‌ی شکل را فضای مثبت و به اطراف آن فضای منفی گفته می‌شود. شکل و فضای اطراف آن هر دو دارای اهمیت هستند. در نقاشی با موضوع معین فضای مثبت و منفی معمولاً واضح و روشن بوده و نقطه‌ی تاکید بر روی تصویر است. در حالی که فضای منفی نیز به همان اندازه دارای اهمیت می‌باشد. این موضوع در نگارگری‌های ایرانی مورد توجه بوده است به گونه‌ای که در آن‌ها فضای مثبت و منفی دارای یک ارزش‌اند و نمی‌توان سوژه‌ی اصلی و زمینه را به راحتی از هم تفکیک کرد. تمام اجزاء، تشکیل یک کل واحد را می‌دهند و به یکدیگر مرتبط و وابسته‌اند (تصویر ۳۱-۲).



چنان شرم دار از خدایان

چنان شرم دار از خدایان

چنان شرم دار از خدایان

چنان شرم دار از خدایان



چنان شرم دار از خدایان

چنان شرم دار از خدایان

چنان شرم دار از خدایان

چنان شرم دار از خدایان